

فرایند های واژه سازی در زبان فارسی



فرایند اشتقاق

- واژه های جدید را می توان با افزودن وند اشتقاقی (پیشوند و پسوند) به پایه ای واژگانی یا دستوری ساخت.
- نا + بن مضارع دانستن ← نادان نا + اسم (کام) ← ناکام
- اشتقاق پایگانی : گاه افزودن چند پیشوند و پسوند به پایه ، طی مراحل ، انجام می شود. در چنین ساخت هایی ابتدا وندی به پایه متصل می شود و واژه جدیدی می سازد. پس از افزایش وند و ساخته شدن واژه جدید در مرحله بعدی ، وند دیگری به پایه متصل می شود و واژه دیگری می سازد.
- ثبات بی + ثبات = بی ثبات بی ثبات + ی = بی ثباتی
- اشتقاق ناپایگانی : در ساخت اشتقاقی ناپایگانی یا هم زمانی عمل افزایش وندها به طور هم زمان و نه طی مراحل رخ می دهد کلماتی چون نارضایتی ، هم شهری ، همایش و بررسی ساختاری هم زمانی دارند ؛ زیرا این واژه ها به همان معنای به کار رفته در مشتق های هم زمانی فارسی وجود نداشته اند تا به آنها وندی متصل شود و واژه های مشتق ذکر شده را بسازد.
- نا + رضایت + ی = نارضایتی
- ممانعت از افزایش وندهای اشتقاقی به پایه های محتمل و ساختن واژه های جدید ممکن است ناشی از محدودیت های آوایی ، صرفی ، معنایی و نحوی نیز باشد. مثالا کودکان درست است ولی سالستان غلط.

فرایند ترکیب

- فرایند ترکیب با کنار هم گذاشتن دو یا چند کلمه از انواع واژه ها یا تکواژ ها واژه جدیدی می سازد. از آنجا که سازه های کلمه مرکب ممکن است بسیط ، غیربسیط ، واژگانی ، دستوری ، آزاد یا وابسته باشند با استفاده از اصطلاح واژه می توان گفت واژه مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرایند ترکیب در این کار دخالت داشته است.طبقه بندی صورت کلمات ترکیبی یا مرکب به دو گونه است : مبتنی بر اجزای ساختاری و مبتنی بر شیوه ترکیب
- طبقه بندی مبتنی بر اجزای ساختاری :واژه مرکب را می توان با توجه به عناصر سازنده آن به انواعی تقسیم کرد. چنانچه یکی ازاجزاء کلمه مرکب فعل باشد ، کلمه حاصل را مرکب ثانویه یا فعلی می نامند ، مانندفلزیاب ، نفسگیر و دیرکرد . در صورتی که هیچ کدام از این اجزاء فعل نباشد ، آن را مرکب اولیه یا غیر فعلی می نامند مانند شب کلاه ، دهن لق و صاحب نظر .الگوهای زیر الگوهای تولید کننده کلمه مرکب هستند :
- اسم + فعل = اسم خط + کش = خط کش
- صفت + فعل = اسم خشک + کن = خشک کن
- اسم + فعل = اسم آتش + بار = آتش بار
- ضمیر + فعل = صفت خود + خور =خود خور
- قید + فعل =صفت پر + گو = پرگو
- اسم + صفت = اسم دل + گرم = دلگرم
- صفت + اسم = صفتتنگ + دست = تنگدست
- ضمیر + صفت = صفت خود + آگاه = خود آگاه
- ضمیر + اسم = صفت خود + سامان = خود سامان
- عدد + اسم = اسم سه + راه = سه راه
- اسم + اسم = اسم سر + پناه = سر پناه

- طبقه بندی مبتنی بر شیوه ترکیب
- می توان بر مبنای نحوه شکل گیری کلمات مرکب ، آنها را به انواع پایگانی و غیر پایگانی تقسیم کرد. در ترکیب پایگانی ابتدا دو واژه در کنار هم قرار گرفته ، واژه جدیدی میسازند و در مرحله بعد واژه سوم به این کلمه مرکب افزوده شده ، واژه دیگری ساخته می شود.
- آب + نبات = آب نبات
- آب نبات + چوبی = آب نبات چوبی
- . در ترکیب ناپایگانی ، واژه ها مرحله به مرحله با هم ترکیب نمی شوند ، بلکه سه واژه یا بیشتر یکباره در کنارهم قرار گرفته ، واژه های جدیدی را می سازند. مانند شعله پخش کن.

فرایند ترکیب - اشتقاق

- گاه هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق ، برای ساختن واژه جدید به کار می روند. چنانچه فرایند اشتقاق بر پایه مرکب عمل کند ، واژه مرکب مشتق می سازد. در زبان فارسی واژه های تثبیت شده فراوانی مانند ناخودآگاه ، غیرقابل قبول ، کفش دوزی ، تلافی جویانه ، شهرداری ، شیرخوارگاه و خاکروبه در فرهنگ های لغت یافت می شوند که با وندافزایی به کلمه مرکب ساخته شده اند. این قبیل واژه ها را مرکب مشتق می نامیم.

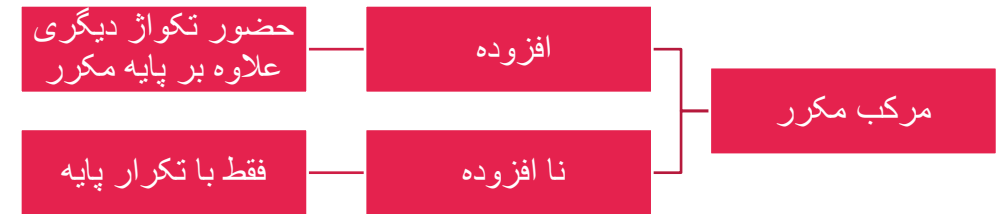
- در این فرایند نیز پایگانی و غیر پایگانی داریم.

- پایگانی مانند خودداری ، خود پسندی

- غیر پایگانی مانند خودکشی ، خود زنی

تکرار

- گاهی با تکرار یک واژه کلماتی همچون بگیر بگیر و قاه قاه ساخته می شود و کلمه مکرر مفاهیمی چون شدت ، تأکید ، افزایش ، تداوم ، انبوهی ، بی شماری و جنس یا قسم را می رساند.
- چنانچه واژه ای با تکرار کامل پایه ساخته شود ، آن را می توان مرکب مکرر نیز نامید



نا افزوده مانند خال خال ، پرسیان پرسیان ، وزوز ، تق تق ، به به ، چه کنم چه کنم .

تکرار افزوده با توجه به جایگاه تکواژ به انواع میانی و پایانی تقسیم می شود.

افزوده میانی مانند رگ به رگ ، شب تا شب ، سر تا سر ، گرداگرد ، چشم در چشم

افزوده پایانی با افزودن پسوندی به پایه دوم ساخته می شود. مانند لرز لرزان ، لنگ لنگان ، جیرجیرک ، زیرزیرکی ، جیغ جیغو ، چین چینی ، فشفشه و...

واژه سازی بدیع

- نوواژه ای که بدون استفاده از فرایندهای واژه سازی و به شکلی بدیع ساخته شده است و واژه های هم خانواده یا خویشاوند برای آن نمی توان یافت ، قابل تجزیه به عناصر کوچک تری نیست.
- این قبیل واژه ها را معمولاً جوانان یا نویسندگان بنا بر نیاز آنی می سازند و گاه چنان در گفتار عامه رواج می یابند که به مجموعه واژه های زبان افزوده می شوند و مدخلی در فرهنگ لغت به آنها اختصاص داده می شود.
- برای مثال می توان به واژه هایی چون حَفَن=عالی ، بی نقص ، گاگول=شخص غیر عادی و غیر متعارف ، نوچفسکو = اسمی ابداعی برای نوعی غذا در یک مجموعه طنز تلویزیونی و سمندون = نام خاص ابداعی برای یک شخصیت کارتونی اشاره کرد.

تبدیل (صفر)

- یکی از فرایندهایی که مقوله و نقش واژه را بدون هیچ گونه افزایش یا کاهشی تغییر می دهد و واژه جدیدی می سازد ، فرایند تبدیل نام دارد. گویشوران به هنگام نیاز و به صورت ناخودآگاه با تغییر مقوله واژه مورد نیاز خود دست به واژه سازی می زنند. برای نمونه صفت را به منزله اسم یا قید به کار می برند یا اسم را به منزله صفت یا قید.
- واژه مجنون : صفت یا اسم
- انسان مجنون ... لیلی و مجنون

کوتاه سازی

- فرایند کوتاه سازی برای ساختن واژه ، از کلمه یا عبارت پایه یک یا چند واژه و هجا را می کاهد. حذف هر کدام از این عناصر از جایگاه آغازی یا میانی پایه را فرایند کوتاه سازی و حذف از جایگاه پایانی را ، فرایند ترخیم نام می دهیم.
- ترمزدستی > دستی --- مبل راحتی > راحتی --- چاکرتیم > کرتیم --- داداش > داش
- دواتاق خوابه > دوخوابه --- مشهدی > مشهدی --- خانم جان > خانجان
- شرکت تعاونی مسافری و حمل و نقل > تعاونی